



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری:



تیام خزاعی

نام آزمون: تکلیف درس ششم فارسی دوازدهم

تاریخ آزمون:

۱) مفهوم عبارت «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَسَلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ۱) مادر فرزند، جویای وی است | ۲) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد |
| ۳) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها | ۴) دل تو را در کوی اهل دل کشد |
| ۵) اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است | ۶) سیر جان، پا در دل دریا نهاد |
| ۷) تن، زده اندر زمین چنگال‌ها | ۸) تن تو را در حبس آب و گل کشد |

۲) آرایه‌های «استعاره، مجاز، حس آمیزی، اسلوب معادله و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | | | | |
|------------------------------|---|---|---|--|
| الف) آب صافی شده است خون دلم | ب) اکنون سزد نگارا گر حال من پیرسی | ج) حرف بی‌جا غافلان را غوطه در خون می‌دهد | د) بلبل و طوطی و قمری همه نالان تواند | ه) نه ز خامی نقش‌ها را خام می‌بندیم ما |
| ۱) الف، ه، د، ج، ب | ۲) ب، الف، ج، ه، د | ۳) ه، ب، د، ج، الف | ۴) ه، الف، د، ج، ب | |
| ۵) خون تیره شده است آب سرم | ۶) یادم کنی که این دم دور از تو ناتوانم | ۷) مرغ بی‌هنگام را تیغ اجل گوید جواب | ۸) در دبستان تو شیرین سخنی نیست که نیست | ۹) پرده بر چشم بد ایام می‌بندیم ما |

۳) بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- | | | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------|-----------------------|
| ۱) ایهام، حس آمیزی | ۲) استعاره، تناقض | ۳) تشبیه، مراعات نظیر | ۴) مجاز، اسلوب معادله |
| ۵) جوش می‌در جگر خم ز سر بسته بود | ۶) جوش می‌در جگر خم ز سر بسته بود | | |

۴) مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

- | | | | |
|---|--|--|---------------------------------------|
| ۱) آتش از گرمی افسانه من گوش گرفت | ۲) پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد | ۳) کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهم نمود | ۴) پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن سلیم |
| ۵) نیست جاننش محرم اسرار عشق | ۶) هر که را در جان، غم جانانه نیست | ۷) گوش هر خام کجا لایق گفتار من است | ۸) نه هر که گوش کند معنی سخن داند |
| ۹) من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم | ۱۰) هر که گوش‌ی پهن سازد محرم این راز نیست | | |

۵) بیت: «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- | | | | |
|--------------------------------------|--|-------------------------------|--|
| ۱) دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست | ۲) سیل دریا دیده، هر گز بر نمی‌گردد به خود | ۳) چون ز دریا سوی ساحل بازگشت | ۴) سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است |
| ۵) کز راه دیده باز به دریا همی رود | ۶) نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود | ۷) چنگ شعر مثنوی با ساز گشت | ۸) مردم بی‌اصل و بی‌گوهر نیابد سروری |





۶ مفهوم بیت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟ (با تغییر)

در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام

- ۱ تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
- ۲ تا نسوزد بر نیابد بوی عود / پخته داند کاین سخن با خام نیست
- ۳ آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت / عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است
- ۴ دردا که بیختم در این سوز نهانی / وان را خبر از آتش ما نیست که خام است

۷ آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حس آمیزی و اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) چون نباشد عید طفلان صحبت رنگین من؟ / می کند مجنون من دست نگارین سنگ را
- ب) از خیال یار دل شد کعبه حاجت مرا / نقش شیرین در نظرها ساخت شیرین سنگ را
- ج) غوطه در خون می دهد دل را فروغ داغ عشق / می کند خورشید عالمتاب رنگین سنگ را
- د) یک دل افسرده بی داغ از دم گرم نماند / در بهار از لاله گردد چهره رنگین سنگ را

- ۱ ب، الف، د، ج
- ۲ ب، د، الف، ج
- ۳ ج، ب، د، الف
- ۴ د، الف، ب، ج

۸ آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می شود؟

- الف) وصل، هجران است اگر دلها ز یکدیگر جداست / هجر باشد وصل اگر دلها بهم پیوسته است
- ب) آبی که زندگانی جاوید می دهد / دارد اگر وجود، شراب شبانه است
- ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار / دود خشک شمع ریحان تر پروانه است
- د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید / ناخن تنها برای پشت سر خریدن است

- ۱ ج، ب، الف، د
- ۲ ج، ب، د، الف
- ۳ د، ب، الف، ج
- ۴ د، ج، ب، الف

۹ مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱ با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق / خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
- ۲ در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- ۳ بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
- ۴ پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند

۱۰ بیت «تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ آشنایی‌های آن بیگانه پرور بین که من / می خورم در آشنایی حسرت بیگانه را
- ۲ دعوی عشق ز هر بلهوسی می آید / دست بر سر زدن از هر مگسی می آید
- ۳ نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی‌های عشق / آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است
- ۴ حرف از صفای سینه مگو پیش زاهدان / آینه پیش طلعت این زنگیان مگیر

۱۱ مفهوم بیت «ما زدریاییم و دریا می رویم / ما زبالاییم و بالا می رویم» با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱ همچو مریم سوی خرمابن رویم / ز آن که خرمایی ندارد شاخ بید
- ۲ ما زگردون سوی مادون آمدیم / باز ما را سوی گردون برکشید
- ۳ برنشین ای عزم و منشین ای امید / کز رسولانش پیایی شد نوید
- ۴ دود و بویی می رسد از عرش غیب / ای نهانان سوی بوی آن پرید

۱۲ مفهوم بیت: «خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست؟» کدام است؟

- ۱ به صوت خوش چو حیوان است مایل / ز حیوان کم نشاید بودن ای دل
- ۲ تن زجان و جان زتن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
- ۳ هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
- ۴ کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام



۱۳ آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱) لاله دل در دم جان بخش سحر می‌بندد | ۲) از آن دلبستگی دارد دل ما با سر زلفش |
| ۳) به روز حشر چو بوی تو بشنود خواجه | ۴) چنان کاندز پریشانی سرافرازی کند زلفش |
- غنچه جان پیشکش باد صبا می‌آرد (استعاره، اسلوب معادله)
 که هر تازی ز گیسویش رگی با جان ما دارد (حسن تعلیل، مراعات نظیر)
 ز خاک مست برون افتد و کفن بدرد (حسن آمیزی، مجاز)
 توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود (تناقض، استعاره)

۱۴ مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) چون گل رعنا خزان را در قفا دارد بهار | ۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی |
| ۳) وقت بی‌برگی کرم با بینوایان خوش‌نماست | ۴) گره تا می‌توانی باز کن از کار محتاجان |
- از ورق گردانی باد خزان غافل مباش
 آشنایان را در ایام پریشانی بی‌رس
 در خزان از بلبلان ای باغبان غافل مباش
 چو بیکاران به ناخن گردن خود را مخار اینجا

۱۵ آرایه‌های «اسلوب معادله، کنایه، ایهام تناسب، حسن آمیزی و حسن تعلیل» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|---|---|
| الف) آه از این قوم سیه‌دل که گران می‌دانند | ب) از آن دندان ز پیران گردش افلاک می‌گیرد |
| ج) جان محال است که در جسم بود فارغ بال | د) دل آگاه ز تحریک هوا آسوده است |
| ه) در این ماتم سرا تا یک نفس چون صبح مهمانی | |
- به زر قلب، وصال مه کنعانی را
 که از غفلت نیندازی به پیری لب‌گزیدن را
 خواب، آشفته بود مردم زندانی را
 نیست از باد، خطر تخت سلیمانی را
 به شکر خنده شیرین دار کام تلخ کامان را
- ۱) ج، الف، د، ه، ب ۲) ج، د، ه، الف، ب ۳) د، الف، ج، ه، ب ۴) د، ب، الف، ج، ه

۱۶ ترتیب ابیات زیر از لحاظ داشتن آرایه‌های «اسلوب معادله، حسن تعلیل، تناقض، جناس» کدام است؟

- | | |
|--|---|
| الف) دست ار دهد به پای گل و لاله مست باش | ب) تمام روز از آن هم چو شمع، خاموشیم |
| ج) دل گمان دارد که پوشیده است راز عشق را | د) گر دیگران به عیش و طرب خرم‌اند و شاد |
- جامی بنوش و بی‌خبر از هر چه هست باش
 که خرج آه سحر می‌شود نفس ما را
 شمع را فانوس پندارد که پنهان کرده است
 ما را غم نگار بود مایه سرور
- ۱) ج - الف - ب - د ۲) ج - ب - د - الف ۳) الف - ج - ب - د ۴) الف - د - ب - ج

۱۷ کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱) عاشق شو ار نه روزی کار جهان سرآید | ۲) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود |
| ۳) همه عمر برندارم سر از این خمار مستی | ۴) حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد |
- ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی
 زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
 که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست
 بنمود جمال و عاشق زارم کرد

۱۸ بیت «در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش | ۲) فردا به داغ دوزخ ناپخته ای بسوزد |
| ۳) هر که در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست | ۴) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار |
- که مگو حال دل سوخته با خامی چند
 کامروز آتش عشق، از وی بُرد خامی
 سوخته داند که چیست پختن سودای خام
 هرگز نبرد سوخته ای قصه به خامی

۱۹ نقش واژه مشخص شده در کدام بیت، درست تعیین نشده است؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱) هم تو را از هوا به شست آرند | ۲) آب شور است نعمت دنیا |
| ۳) یار هم کاسه هست بسیاری | ۴) دوست را گر ز هم بدری پوست |
- همه را جمله نیست گردانند (مسند)
 چون بود آب شور و استسقا (متمم)
 لیک هم کیسه کم بود یاری (قید)
 گر کند آه، او نباشد دوست (مفعول)



۲۰ آرایه‌های «استعاره، جناس، ایهام، اسلوب معادله، حسن تعلیل» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟
الف) دور از تو هر شب تا سحر گریان چو شمع محفلم تا خود چه باشد حاصلی، از گریه بی حاصلم

ب) می‌دهد زخم دل از بیداد شمشیرت نشان می‌توان فهمید مضمون کتاب از باب‌ها

ج) عمر جاویدان اگر دل را نمی‌سازد سیاه در سیاهی از چه پنهان است آب زندگی؟

د) ابر نیسان باغ را در لؤلؤی لالا گرفت باد بستان دشت را در عنبر سارا گرفت

ه) به من رسید نوید وصال دلداران چو کشته را دم عیسی و کشته را باران

۱ الف، ه، د، ج، ب ۲ د، ه، الف، ب، ج ۳ ب، ج، د، ه، الف ۴ د، ج، ه، ب، الف

۲۱ نوع «ر» در همه گزینیه‌ها با بیت «سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» یکسان است به جز گزینیه
۱ آب خوش بی تشنگی ناخوش بود
۲ قول ایزد بشنو و خطش ببین
۳ خاطر من زرّ مدحت‌ها را
۴ سوی دانا ای برادر همچنانک

مرد سیراب آب خوش را منکر است

قول و خط من تو را خود از بر است

در خراسان بی خیانت زرگر است

جان تنت را، علم جان را مادر است

۲۲ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در کدام گزینیه متفاوت است؟
۱ چو ماه روی تو ما را جمال بنماید
۲ نداد عشق گریبان به دست کس ما را
۳ دندان ما ز خوردن نعمت تمام ریخت
۴ چو تخم سوخته کز ابر تازه شد داغش

به نور طلعت تو آفتاب می‌بینم

گرفت این می پُر زور چون عسس ما را

ما را همان ز شکوه روزی دهان پُر است

ز باده شد غم و اندوه بیشتر ما را

۲۳ نقش واژه‌های مشخص شده در همه گزینیه‌ها به جز گزینیه به ترتیب، درست آمده است.
۱ فکر شبیه تلخ دارد جمعه اطفال را / عشرت امروز بی‌اندیشه فردا خوش است (مضاف الیه - نهاد)
۲ ما گوشه‌نشینان چمن آرای خیالیم / در خلوت ما نکهت گل بار ندارد (بدل - مسند)
۳ تشنه آغوش دریا را تن آسانی بلاست / چون صدف هر کس که در دامان ساحل ماند، ماند(متمم- نهاد)
۴ قیاس کن که دلم را چه تیر عشق رسید / که پیش ناوک هجر تو جان سپر می گشت (مفعول- مسند)

۲۴ در کدام بیت اسلوب معادله وجود دارد؟
۱ آفتاب آمد دلیل آفتاب
۲ کو دیده یعقوب که بی‌پرده ببیند
۳ در غربی بیش می‌باشد هنرور را رواج
۴ روشندلی نمانده در این باغ و بوستان

گر دلالت باید از وی رخ متاب

صد قافله از مصر به یکباره رسیده؟

چون شرار از سنگ بیرون شد چراغش روشن است

با خود مگر چو آب روان گفتگو کنیم

۲۵ در همه ابیات به استثنای آرایه متناقض‌نما به کار رفته است.
۱ من پرستار دو چشم خوش بیمار توأم
۲ دوست می‌دارم به بانگ بلند
۳ آتش سردی که بگذارد درون سنگ را
۴ بی‌قیمتی ما ز گرانمایگی ماست

گر چه بیمار پرستی بهتر از بیماری است

تا کی آهسته و نهان گفتن

هر که را بودست آه سرد می‌داند که چیست؟

کاین چرخ فرومایه ندارد ثمن ما